

بیانیه معلمان کامیاران در حمایت از فرزاد کمانگر

فعالان حقوق بشر

بیست دوم آذرماه هشتاد و شش

به نام قلم و آزادی

اگرچه درکشورما، کارجمعی و گروهی دشوار است. اما این بار ما فرهنگیان و فعالان فرهنگی کامیاران، می خواهیم از انسانی بگوئیم و بنویسیم که خود را فدای کارجمعی نمود و همیشه سعی داشت، فرهنگیان و فعالان عرصه فرهنگ و ادب را جمع نماید.

فرزاد کمانگر از مؤسسان و فعالان تأثیرگذار انجمن صنفی معلمان کامیاران بود. در تجمع ها، و سایر فعالیتهای این انجمن بسیار کوشا و از خود گذشته بود. بیشتر از آن به همراه چند نفر از دوستان خودش انجمن ناسک را برای فعالیتهای زیست محیطی و دفاع از سبز اندیشیدن و سبز زیستن پایه ریزی نموده بود. فرزاد از پایه گذاران نشریه فرهنگی، ادبی، علمی رویان بود که اگر چه نشریه ای داخلی برای آموزش و پرورش کامیاران بود. اما بسیار زود توانست در میان دل بسیاری از خانواده های این منطقه و فراتر از آن جابگیرد. و همه اینها ناشی از تلاشی صادقانه بود که فرزاد هم بخشی بسیار موثر در آن بود. اگرچه همین تلاشهای صادقانه و عدم وابستگی باعث بسته شدن نشریه و انجمن صنفی معلمان شد. اما او هیچگاه از تلاش و کوشش برای کار گروهی دست برنداشت. فرزاد دلی سوخته و بیانی صریح و قلمی راستگو داشت و برآستی او یکی از فعالان جدی و مؤثر عرصه فعالیتهای مدنی، فرهنگی و صنفی کامیاران بود. در کار و فعالیت خستگی را نمی شناخت؛ عاشق کار بود. اگرچه کمتر کسی با او همدل و همراه بود، اما هیچگاه نا امید نمی شد. آرام و قرار نداشت تا بلکه بتواند جامعه را به آرام و قرار واقعی برساند.

شب و روز را به فراموشی سپرده بود. زندگی عادی را کنار نهاده بود. نه مالی، نه زمینی نه پولی، هیچی را برای خود نمی خواست. زیرا خود را وقف خانواده و از همه مهمتر جامعه اش کرده بود. زبانی سرخ و صریح داشت و همین باعث گرفتاریش شد.

فرزاد مادر را در حد پرستش دوست داشت. هم مادر خویش هم مام میهن خاک پاک کردستان این مادر بی کس. این مادری که همیشه می گفت: «داعیه دار زیاد دارد، اما فرزند دلسوخته و دلسوز کم.» او تنهایی و بیماری مادر خویش را فدای تنهایی و بیماری مام میهن کرد. فرزاد تفکری را دوست داشت زیرا آن تفکر را می شناخت و سعی در گسترش آن داشت. اما هیچگاه به تفکر و گروهی دیگر توهین و بی حرمتی روا نمی داشت. زیرا فعالیت خویش را در انسانیت، آزادی و دموکراسی خلاصه کرده بود.

فرزاد متعهد و صادق بود به افکارش به ملتش و همین باعث شد که در شرایط سخت و امنیتی جامعه پنهان کاری نداشته باشد. بیان، قلم و رفتارش ساده و صمیمی و صریح و بی پرده بود. ترس و وا همه نداشت. زمان را تنیده بود. ثابت قدم و فداکار بود. انرژی غیر قابل تصویری داشت. اهل شعار نبود، شعور را سر لوحه کار و زندگیش کرده بود.

شلوغ بود اما شلوغ کاری نمی کرد. اهل عمل و پراکتیک بود. اگرچه گاهی مواضع صریح و شفاف او باعث می شد، عده ای او را برنتابند. حتی با او نا مهران و به مجادله پردازند. اما زمان نشان داد که او عاشقی دلسوخته و کم نظیر است و هدف نهایش آزادی انسان و کردستان بود.

فرزاد ۱۴ سال غم معلم و معلم بودن را داشت. اگر چه خود معلمی راستین بود. اما همیشه به وضع موجود در میان معلمان و نظام آموزشی ایران نقدهایی جدی داشت. همیشه از ترس، فعال نبودن، و کم کاری اجتماعی معلمان مینالید. می گفت: « ما معلمان نباید دچار روزمرگی و یأس شویم. ما باید با مطالعه و کار و فعالیت جامعه را نیز به حرکت واداریم.»

او هم مثل بسیاری از ما غم نان داشت. اما غم انسان بودن نگذاشت سکوت اختیار کند. حال ما جمعی از معلمان و فعالان فرهنگی کامیاران اینک بعد از ۱۷ ماه که از بازداشت فرزاد کمانگر می گذرد و هنوز دادگاهی نشده و بلاتکلیف است. بدون هیچ ملاحظه کاری سیاسی و گروهی فقط بخاطر انسان بودن، راستی و صداقت فرزاد از کردستان و مسئولان می خواهیم که هر چه سریعتر وی را از بلاتکلیفی به در آورده ما و خانواده اش را از نگرانی به در آورند و این خواسته ای انسانی و برحق است. که ما از مسئولان و کردستان داریم.

جمعی از فرهنگیان و فعالان فرهنگی شهرستان کامیاران

فعالان حقوق بشر در ایران

۱۳۸۶/۹/۲۲